

به نام خدا



آسیب‌شناسی سازمان‌های غیردولتی در ایران

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	تعریف و ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی
۱۰.....	علل عدم موفقیت سازمان‌های غیردولتی در ایران
۲۰.....	پیشنهادهایی برای گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران
۲۵.....	نتیجه‌گیری
۲۶.....	پی‌نوشت‌ها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۵۸۹

فروردین ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی



آسیب‌شناسی سازمان‌های غیردولتی در ایران

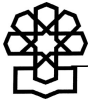
چکیده

سازمان‌های غیردولتی از اجزای مهم جامعه مدنی مدرن به حساب می‌آیند که مسئولیت ارتباط میان مردم و دولت را به عهده دارند و به دنبال استفاده از ظرفیت‌های موجود در جامعه برای رسیدن به اهداف خاص و عام‌المنفعه هستند. این سازمان‌ها حوزه عمل گسترده و متنوعی دارند و در بسیاری از حوزه‌ها فعالیت می‌کنند. عملکرد این سازمان‌ها در ایران به صورت مطلوبی نیست و ضعیف است. به همین منظور در این نوشتار، به صورت موجز و خلاصه به مسائل و مشکلات سازمان‌های غیردولتی در ایران پرداخته شده و برای بهبود عملکرد و گسترش این سازمان‌ها راه‌حل‌هایی ارائه شده است.

مهم‌ترین مشکلات فراروی سازمان‌های غیردولتی در ایران عبارتند از: ناشناخته بودن این سازمان‌ها برای مردم و عدم اعتماد مردم به آنها، سوءاستفاده از آنها در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی، نبود فرهنگ مشارکت و روحیه کار جمعی در میان مردم، فراهم نبودن شرایط مورد نیاز برای حیات و گسترش سازمان‌ها، گستردگی و بزرگی ساختار دولتی، عدم شفافیت دیوان‌سالاری و عدم وجود قانونی جامع و کامل در مورد این سازمان‌ها.

در پایان نیز متناسب با مشکلات طرح شده، پیشنهادهایی برای رفع مشکلات

ارائه شده است.



مقدمه

سازمان‌های غیردولتی^۱ رکن مهمی از جامعه مدنی در عصر کنونی هستند. بسیاری از متخصصان مسائل اجتماعی معتقدند که در قرن بیست و یکم اداره جوامع بشری بدون حضور هماهنگ و مؤثر سه رکن مهم آن یعنی دولت و حاکمیت، بخش خصوصی و جامعه مدنی امکان‌پذیر نیست. در این میان سازمان‌های غیردولتی جزئی از جامعه مدنی هستند که از سویی ارتباط نزدیکی با مردم جامعه دارند و از سوی دیگر سعی دارند تا مشکلات مردم را به حاکمیت منتقل سازند. به همین سبب است که این سازمان‌ها جایگاه خاصی در این زمینه پیدا کرده‌اند.

سازمان‌های غیردولتی در حیطه‌های مختلفی عمل می‌کنند. از جمله این حوزه‌ها می‌توان به حوزه‌های زیست‌محیطی، مبارزه با فقر، بی‌سوادی، تلاش برای کاهش بیکاری، حل مشکلات زنان و کودکان و غیره اشاره کرد. با نگاهی کوتاه به همین موضوعات کاری است که به خوبی می‌توان درک کرد که وجود این سازمان‌ها فواید زیادی برای جوامع دارد. البته حضور مؤثر و عملکرد این سازمان‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است. در بعضی از کشورهای پیشرفته این سازمان‌ها حضور پررنگی دارند ولی در برخی کشورها، از جمله کشور ایران، این سازمان‌ها حضور مؤثری ندارند.

سؤال اصلی این نوشتار این مسئله است که علت عملکرد ضعیف سازمان‌های غیردولتی در ایران چیست؟ به منظور پاسخ کامل به این سؤال ابتدا به این بحث پرداخته شده که سازمان‌های غیردولتی چه تعریف و کارکردهایی دارند و چه نقشی را می‌توانند در جامعه ایفا نمایند. دلیل پرداختن به این موضوع این است که از سویی

1. Non-Governmental Organizations: NGOs



لازم است حیطه بحث مشخص شود و از سوی دیگر متأسفانه بسیاری از کسانی که با این موضوع سروکار دارند هم به‌خوبی از حیطه سازمان‌های غیردولتی اطلاع ندارند و به‌همین سبب است که مشکلات معناشناختی در این زمینه به‌وجود می‌آید. بعد از پرداختن به تعریف و کارکردهای سازمان‌های غیردولتی، به مشکلات موجود در مقابل عملکرد مؤثر این سازمان‌ها در ایران پرداخته شده و اهم مسائل موجود در مقابل این سازمان‌ها در آن قسمت فهرست شده است.

در پایان نیز به بیان پیشنهاداتی برای ارتقای عملکرد این سازمان‌ها در ایران اختصاص یافته است. در این قسمت سعی شده تا برای مشکلات موجود راه‌حل‌هایی ارائه شود تا سازمان‌های غیردولتی از وضعیت کنونی جدا شده و جایگاه حقیقی خود را در جامعه باز یابند.

تعریف و ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی

اصطلاح سازمان‌های غیردولتی در نخستین برخورد به‌صورت فریبنده‌ای ساده و آسان جلوه می‌کند؛ لکن ماهیت این اصطلاح در برگیرنده طیف وسیعی از سازمان‌های گوناگون است که تلاش برای ارائه معنا و مفهومی ساده از آن کاملاً بیهوده به‌نظر می‌رسد. از این‌رو ضرورت دارد بدانیم که سازمان‌های غیردولتی کنونی دارای اشکال و انواع متعدد و متفاوتی هستند به‌طوری که ویژگی‌های آنها فقط در برخی موارد آن هم تا حدودی با یکدیگر شباهت دارند و عوامل تشکیل‌دهنده این مجموعه به‌قدری دارای ناهمگونی است که شناخت و تمایز تحلیلی آنها به‌کارگیری ضوابط و معیارهای گوناگونی را می‌طلبد.



این سازمان‌ها اساسی غربی دارند اما اشکالی از آن در تاریخ ایران هم دیده شده است. به‌تدریج این سازمان‌ها به ایران نیز وارد شدند و در ایران پا گرفتند اما به رشدی که لازم بود، هرگز نرسیدند. یکی از مشکلات اساسی این سازمان‌ها ناآگاهی مردم و نخبگان در مورد ظرفیت‌های این سازمان‌ها بوده است. برای پرداختن به مشکلات ابتدا ارائه تعریفی دقیق و کارآمد از این سازمان‌ها لازم است.

سازمان‌های غیردولتی در کتابچه راهنمای سازمان‌های غیردولتی مرتبط با سازمان ملل این‌گونه تعریف شده‌اند:

«سازمان غیردولتی به هر گروه غیرانتفاعی و داوطلبانه از شهروندان گفته می‌شود که در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی سازمان‌دهی شده باشند، سازمان‌های غیردولتی که به‌وسیله مردمی با علاقه مشترک اداره می‌شوند انواع خدمات و کارهای خیریه را انجام می‌دهند، نگرانی شهروندان را به اطلاع دولت‌ها می‌رسانند، سیاست‌ها را بازبینی می‌کنند و مشارکت سیاسی را در سطح اجتماعی تشویق می‌کنند. آنها تحلیل‌ها و نظرات کارشناسی فراهم می‌کنند، به‌مثابه مکانیسم‌های اولیه اخطار انجام وظیفه می‌نمایند و به بازبینی و اجرای توافقات بین‌المللی کمک می‌کنند و غالباً پیرامون موضوعات جمعی مانند حقوق بشر، محیط زیست و بهداشت سازمان‌دهی شده‌اند».^(۱)

برداشت‌ها و تعاریف مختلفی از سازمان‌های غیردولتی ارائه شده، به‌طوری که اختلاف‌نظر در تعریف و طبقه‌بندی، مشکلاتی را برای درک این سازمان‌ها به‌وجود آورده است. این سازمان‌ها شامل گروه‌ها و نهادهای بسیاری هستند که مستقل از حکومت عمل می‌کنند و در درجه نخست، همکاری و انسان‌دوستی را بر هدف‌های



تجاری ترجیح می‌دهند. سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های بومی سازمان‌یافته در سطوح ملی و منطقه‌ای و گروه‌های عضویتی در روستاها را شامل می‌شوند. بعضاً آنها انجمن‌های مذهبی و خیریه‌ای هستند که به‌عنوان اهرم و پشتوانه‌های خصوصی توسعه به‌شمار می‌آیند و سازمان‌های محلی را بهبود می‌بخشند. همچنین انجمن‌های محلی، گروه‌های زنان و انجمن‌های دینی را در برمی‌گیرند. به‌علاوه گروه‌های شهروندی که آگاهی زیادی دارند و بر سیاست‌گذاری‌ها تأثیر می‌گذارند نیز سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شوند.

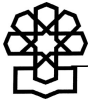
از آنجایی که ارائه تعریف جامع و مانع به‌لحاظ گستردگی کنونی سازمان‌های غیردولتی از لحاظ موضوع عملکرد، چارچوب، محدوده جغرافیایی و تعداد اعضا دشوار است، به‌نظر می‌رسد بیان ویژگی‌های این سازمان‌ها مناسب‌تر باشد. برای سازمان‌های غیردولتی ویژگی‌هایی برشمرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. غیردولتی بودن

همان‌گونه که از نام این سازمان‌ها برمی‌آید، این سازمان‌ها نباید دولتی باشند. البته این مسئله به این معنا نیست که این سازمان‌ها از دولت کمکی دریافت نکنند یا افراد دولتی از اعضای این سازمان‌ها نباشند، بلکه منظور این است که این سازمان‌ها از لحاظ تشکیلاتی زیرمجموعه دولت نباشند و براساس تشکیلات موظف به پیروی از دستورات یک نهاد دولتی نباشند.

۲. سازمان‌یافتگی

بدین‌معناست که تشکل تا حدودی حالت نهادی به‌خود گرفته و تثبیت شده باشد. در این زمینه ثبت شدن یا هویت حقوقی رسمی پیدا کردن مهم نیست. بلکه مهم آن است



که از هویت سازمانی نسبی برخوردار باشند. این شرط با تدوین اساسنامه قانونی تأسیس، برخورداری از ساختار سازمانی داخلی، استمرار نسبی در اهداف، ساختار و فعالیت‌ها یا داشتن تشکیلات متعارف تأمین می‌شود. بنابراین تجمع‌های موقت و خلق‌الساعه افراد که هیچ ساختار واقعی یا هویت سازمانی ندارند، سازمان غیردولتی نخواهند بود.

۳. مبنای خودجوش و مردمی

سازمان‌های غیردولتی باید به شکل مردمی سامان‌یافته باشند. سازمان‌هایی که توسط دولت یا بخش خصوصی شکل گرفته باشند و دارای زیربنای مردمی نباشند، سازمان غیردولتی خوانده نمی‌شوند. این ویژگی از آن جهت مهم است که سازمان اگر به‌صورت خود جوش و مردمی شکل گرفته باشد، عمر و بقای بیشتری خواهد داشت و به اهدافش بیشتر خواهد رسید. در صورتی که سازمان‌های دولت نهاد این ویژگی را ندارند و بعضاً با تغییر مسئول مربوطه در دستگاه اداری مؤسس عمرشان پایان می‌پذیرد.^(۲)

۴. مستقل بودن

سازمان‌های غیردولتی باید به شکل مستقل اداره شوند و بر عملکرد مسلط بوده و نظارت داشته باشند. این امر بدین معناست که اگر بعضی از سازمان‌ها از لحاظ ساختار مستقل باشند ولی تحت سیطره و نفوذ سازمان‌های دولتی یا بخش خصوصی قرار داشته باشند، عملاً بخشی از آن سازمان‌ها به‌حساب می‌آیند و دیگر سازمان غیردولتی نیستند. توجه به این امر از این جهت است که برخی دولت‌ها می‌خواهند در پوشش سازمان‌های غیردولتی به اهداف سیاسی‌شان برسند و از این



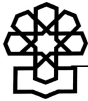
سازمان‌ها به‌عنوان پوششی برای عملکرد خود استفاده می‌نمایند. بخش خصوصی نیز برای رسیدن به اهداف اقتصادی‌اش از این سازمان‌ها استفاده می‌کند. این ویژگی باعث تمایز میان این فعالیت‌ها با فعالیت‌های حقیقی می‌شود. بنابراین استقلال بدین‌معناست که سازمان بر فعالیت‌هایش تسلط و نظارت متعارف داشته و در روند کاری برای اداره امور داخلی خود، استقلال داشته باشند و به‌طور کلی از خودگردانی معمول برخوردار باشد.

۵. غیرانتفاعی بودن

منظور از غیرانتفاعی بودن این است که عواید حاصل از فعالیت مؤسسه به مؤسسان یا مدیران سازمان تعلق نگیرد. در اغلب سازمان‌های غیرانتفاعی در آخر سال مالی درآمد مازاد حاصل می‌شود، اما این عواید باید مجدداً در جهت اهداف اصلی سازمان سرمایه‌گذاری شود و نباید میان اعضا، مدیران، مؤسسان یا هیئت رئیسه تقسیم شود. بحث در اینجا انجام کار اقتصادی نیست زیرا بسیاری از سازمان‌ها برای تأمین مالی خود اقدامات اقتصادی انجام می‌دهند و به فعالیت سودآور اقتصادی رو می‌آورند. مسئله اساسی این است که سازمان با سود حاصل از فعالیتش چه می‌کند. اگر سود حاصل صرف سرمایه‌گذاری در عملکرد سازمان در جهت اهدافش گردد و دوباره به سازمان بازگردد، در این صورت سازمان عنوان غیرانتفاعی را داراست.

۶. فعالیت داوطلبانه

سازمان غیردولتی باید در حد متعارفی در فعالیت‌های داوطلبانه شرکت کند. این شرط متضمن دو ملاحظه متفاوت اما مرتبط است. اول اینکه سازمان باید در فعالیت‌ها و اداره از طریق هیئت رئیسه یا بهره‌مندی از افراد داوطلب یا سایر تشریک مساعی‌های



خودانگیخته، به نوعی در فعالیت‌های خود اصل داوطلبانه بودن را به نمایش بگذارد. دیگر اینکه داوطلبانه بودن در خود دارای معنای غیراجباری است. بنابراین سازمان‌هایی که در آنها عضویت اجباری، به تلویح یا تصریح در قانون مربوط به آن قید شده است، از بخش غیردولتی جدا بوده و مستثنا می‌شوند. نمونه بارز این‌گونه سازمان‌ها انجمن‌های تخصصی است که عضویت در آنها برای کسب مجوز فعالیت‌های تجاری یا حرفه‌ای الزامی است مثل نظام پزشکی یا کانون وکلا.^(۳)

۷. غیرسیاسی

سازمان غیردولتی نباید به هیچ یک از احزاب یا تشکل‌های سیاسی وابسته باشد و اقدام به فعالیت رسمی سیاسی بنماید. البته سازمان غیردولتی می‌تواند در راستای اهداف خود بیانیه دهد یا تجمع برگزار کند، اما نمی‌تواند کاندیدا معرفی کند یا امکانات سازمان را در اختیار یک کاندیدا قرار دهد. جدا کردن فعالیت سیاسی از حوزه عمل فعالیت سازمان غیردولتی کار سختی است و علت آن هم گستردگی حوزه دولتی و کار سیاسی و همچنین حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی است. به‌همین جهت بسیاری از فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی را می‌توان سیاسی تلقی نمود و به‌همین جهت این حوزه باید شفاف و روشن باشد.^(۴)

۸. انجام فعالیت ضروری و مفید برای جامعه

سازمان‌های غیردولتی باید در حوزه‌هایی فعالیت نمایند که برای جامعه خود منافی در پی داشته باشند. این امر از این جهت ضروری است که این سازمان‌ها اغلب انرژی و توان زیادی را از جامعه خود جذب می‌کنند و اگر این توان و انرژی به مصرف صحیحی نرسد در حقیقت مقدار زیادی از توان جامعه به هدر رفته است. این امر خود



دلیلی بر این مسئله است که باید در هدف‌گذاری و جهت حرکت این سازمان‌ها دقت شود. از سوی دیگر دیده شده است که برخی از قدرت‌های خارجی، چه دولتی و چه خصوصی، برای تأمین اهداف خود در کشور دیگر، از این سازمان‌ها استفاده می‌کنند و باید توجه داشت تا بدین طریق از این امر هم جلوگیری شود.^(۵)

در مجموع سازمان‌های غیردولتی، مجموعه‌هایی برآمده از مردم هستند که برای خود مردم فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها در حوزه‌های بسیار گسترده و متنوعی فعالیت می‌نمایند و به‌همین سبب با قسمت‌های مختلفی از زندگی مردم سروکار دارند. حیطه عمل این سازمان‌ها از مباحث زیست‌محیطی شروع می‌شود و به کمک به محرومان، ایجاد اشتغال، آموزش، تلاش برای ارتقای فرهنگ عمومی، فعالیت‌های صنفی و گروهی و بسیاری حوزه‌های دیگر گسترش می‌یابد.^(۶)

این سازمان‌ها برتری‌ها و فوایدی دارند. از جمله اینکه چون برخاسته از مردم هستند و براساس ضرورتی که عده‌ای از مردم احساس کرده‌اند، تشکیل شده‌اند، به‌همین لحاظ اعتماد بیشتری به آنها هست. این سازمان‌ها به این جهت که جزئی از دولت نیستند و ساختاری مردمی دارند، این امکان را دارند که مردم آنها را بیشتر از خود بدانند. از سوی دیگر چون این سازمان‌ها فعالیت اقتصادی و سیاسی ندارند و به دنبال کسب سود نیستند، از این جهت مردم آنها را دلسوز خود احساس می‌کنند و به‌همین جهت کارایی بیشتری در برخورد با مردم دارند. از سوی دیگر این سازمان‌ها به جهت بهره بردن از کار داوطلبانه کارایی بیشتری دارند زیرا کار داوطلبانه اولاً بهتر و دقیق‌تر انجام می‌شود و از سوی دیگر اثرگذاری بیشتری دارد. همچنین حجم محدود و ساختار حداقلی این سازمان‌ها هم به آنها امکان تحرک و چابکی بیشتری



داده تا بهتر و سریع‌تر از دولت بتوانند عمل کنند و با مسائل جدید مواجه شوند. نکته آخر اینکه این سازمان‌ها به سبب رابطه خاص با مردم به‌خوبی می‌توانند استعدادهای موجود در میان توده را کشف و از استعدادهای معطل مانده حداکثر استفاده را کرده و آنها را به حالت بالفعل تبدیل کنند.

علل عدم موفقیت سازمان‌های غیردولتی در ایران

سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان بازوی اصلی جامعه مدنی در رشد و ارتقای فرهنگ ملی و استفاده از امکانات کشور نقشی اساسی دارند. این سازمان‌ها در ایران عملکرد مطلوبی نداشته‌اند. در این قسمت به موانع موجود در مقابل آنها پرداخته خواهد شد.

۱. عدم وجود شرایط فرهنگی لازم

یکی از دلایلی که به‌عنوان دلایل طبیعی و جامعه شناختی عدم رشد سازمان‌های غیردولتی در ایران ذکر می‌شود این است که این سازمان‌ها براساس یک سابقه تاریخی در غرب به‌وجود آمده‌اند و به سبب عدم وجود آن سابقه تاریخی در ایران است که ایجاد این سازمان‌ها در ایران با مشکل مواجه شده است.

ایجاد سازمان‌های غیردولتی در غرب، محصول انقلاب صنعتی و مدرنیسم است. وقوع انقلاب صنعتی و تغییر فرهنگ زندگی در غرب باعث شد تا انسان مدرن وابستگی خودش را به نهادهایی که قبلاً از او مراقبت می‌نمودند از دست بدهد. انسان در زندگی آن زمان به خانواده و نهاد دین وابسته بود و این دو نهاد از او در مقابل تمامیت خواهی دولت مراقبت می‌کردند. وقتی انسان مدرن خود را در مقابل دولت تنها



دید به سمت ایجاد نهادهای مدرن رو آورد تا از او مراقبت کنند.

در ایران شرایط کاملاً متفاوت است. از سویی افراد جامعه هنوز وابستگی‌های خانوادگی خود را حفظ کرده‌اند و دولت هم در جهت حفظ این وابستگی‌ها تلاش دارد و فرهنگ‌سازی می‌کند. از سوی دیگر، دولت در ایران هیچ‌گاه دولتی تمامیت‌خواه نبوده که مشکلات جدی در زندگی مردم ایجاد کند. به‌همین دلیل از سویی به سبب وجود نهادهای قدیمی، مردم احساس تنهایی و بی‌پناهی ندارند تا نهاد جدیدی به‌وجود آورند و از سوی دیگر خطری جدی احساس نمی‌کنند که به دنبال پناهگاه مستحکمی باشند.^(۷) سازمان‌های قدیمی که در ایران وجود داشته هم نهادهایی غیرمدرن بوده و با این سازمان‌ها که برپایه مدرنیسم شکل گرفته‌اند، متفاوت است. بر همین اساس بعضی از متخصصان مسائل اجتماعی ایران اظهار می‌دارند که رشد سازمان‌های غیردولتی در ایران براساس یک نیاز طبیعی نیست و به‌همین دلیل است که این سازمان‌ها عمر کوتاهی دارند و جایگاه خود را در جامعه پیدا نمی‌کنند.

فرهنگ جامعه ایرانی نوعی فرهنگ خاص است که مکانیسم‌های درونی‌اش را برای حل مشکلاتش دارد. به همین سبب است که محصولات وارداتی در آن به سرعت جذب نمی‌شود. از سوی دیگر ادعای برخی متخصصان این است که عقلانیت مدرن در ایران هنوز فراگیر نشده است. در چنین جامعه‌ای نمی‌توان انتظار داشت که چنین مؤسسات پیشرفته‌ای گسترش یابند.^۱

۱. محمود سریع‌القلم، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۵، ص ۲۲-۲۴.



۲. ساختار دولتی بزرگ و گسترده

یکی دیگر از دلایل عدم موفقیت سازمان‌های غیردولتی در ایران این است که در کشور ما همه چیز دولتی است. گستردگی و فربهی ساختار دولت و دست‌اندازی دولت به همه قسمت‌ها باعث شده که جایی برای کار دیگر بخش‌ها نباشد. این مسئله مشکل مشترک بخش خصوصی و جامعه مدنی در ایران است. البته وضع بخش خصوصی در مقایسه با سازمان‌های غیردولتی به سبب سابقه این بخش و سودآور بودن آن بسیار بهتر است. اصولاً سازمان‌های غیردولتی در آن قسمتی از جامعه فعالیت می‌کنند که شاهد حضور دولت نیست.

ساختار گسترده دولت و اینکه می‌خواهد در همه قسمت‌ها حضور داشته باشد حتی قواعد مرسوم در این زمینه را نیز دگرگون ساخته است. معمولاً سازمان‌های غیردولتی در پی نیاز موجود در جامعه ایجاد می‌شوند و با مبارزاتی سعی می‌کنند تا خود را به دولت بقبولانند؛ اما در ایران خود دولت پیش‌قدم شده و سعی در ایجاد و گسترش این سازمان‌ها دارد و به‌همین سبب است که ما شاهد شبکه‌ای پیچیده از مؤسساتی هستیم که در ظاهر غیردولتی هستند اما همچنان حداقل از یک جنبه به دولت وابسته‌اند.^(۸)

۳. نبود روحیه کار جمعی در میان ایرانیان

یکی دیگر از دلایل جامعه شناختی که برای ضعف عملکرد سازمان‌های غیردولتی در ایران ذکر می‌شود این است که اصولاً کارهای جمعی در میان ایرانیان هواداری ندارد و به موفقیت هم کمتر می‌رسد. به‌دلیل عدم توانایی انجام کار گروهی است که ایرانیان از تشکیل تیم و گروه برای انجام کارهایشان ناتوان هستند و به انجام کار به‌صورت



فردی رو می‌آورند. این مشکل خود را به شکل‌های گوناگونی در جامعه نشان داده است و یکی از نمونه‌های آن هم عدم تشکیل تشکلهای مردمی و مجامع مختلف صنفی و سیاسی پایدار و قدرتمند است.

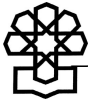
ایرانیان از لحاظ روحیه فاقد توانایی انجام کار به صورت جمعی دانسته می‌شوند و علت این امر هم غیر از مسائل طبیعی، روند تاریخی منطقه و نوع حکومت‌ها دانسته شده است. البته باید توجه داشت که این مسئله به صورت کامل هم درست نیست و با آموزش می‌توان مشکلات موجود را حل نمود که در قسمت بعد به آن اشاره می‌شود. انجام کار گروهی احتیاج زیادی به برنامه‌ریزی و عمل سیستماتیک دارد. متأسفانه ایرانیان به دلیل شرایط تاریخی کمتر برای چنین کارهای طولانی، برنامه‌ریزی و حتی صبر لازم را دارند و بیشترین تمایل را به نتیجه‌گیری سریع و در کوتاه‌ترین زمان دارند. چنین وضعیتی که معلول عدم امنیت در طول تاریخ است، باعث شده که وجود این روحیه در ایرانیان کم باشد و در نتیجه در کار گروهی توفیق کمتری داشته باشند.^۱

۴. عدم شفافیت دیوان‌سالاری

یکی از مشکلات اساسی در راه گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران عدم شفافیت دیوان‌سالاری در ایران است. دستگاه دیوانی در ایران از این منظر دو مشکل اساسی دارد: نخست اینکه حالت متمرکز دارد و همین مسئله است که باعث می‌شود تا فعالیت‌ها و کارهای خارج از این دایره و تلاش‌های تمرکززدایانه به جایی نرسد.

مشکل دوم وجود قوانین متعدد و متفاوت و دستگاه‌های مختلفی است که هر

۱. محمدرحیم عیوضی، مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱-۱۳۲.



کدام خود را در مسئله سازمان‌های غیردولتی مسئول دانسته و بر کنترل آن اصرار دارند. متأسفانه در اینجا وظایف و صلاحیت‌های دستگاه‌های مختلف روشن نیست و هر اداره و تشکیلاتی در امور مختلفی دخالت دارد و گسترش زیاد این دستگاه‌ها هم سبب شده تا مشخص نباشد که کار چگونه باید پیگیری شود. به همین سبب است که دستگاه اداری ایران به سبب فربهی زیاد تحرک لازم را ندارد.^(۹)

این مشکل ریشه در یک مسئله روانی دارد و آن عدم اعتماد به عمل مردم و به تبع آن سازمان‌های مردم‌نهاد است. چنین بینش و تصویری باعث می‌شود که دستگاه‌های دولتی و مسئولان کنترل و نظارت دولتی همواره خواستار داشتن دست بالا در کنترل جریان‌ها و اداره آنها باشند و حتی‌المقدور نگذارند که حرکت‌هایی خارج از کنترل کامل آنها انجام شود. به همین سبب است که شاهدیم دولت سعی دارد در هر تشکیلی تعدادی نماینده با حق و تو داشته باشد.^۱ این روحیه در کارهای اقتصادی هم خود را نشان داده و دولت در اکثر شرکت‌ها اکثریت سهام را برای خود می‌گیرد. به همین سبب است که باید چنین روحیه‌ای اصلاح اساسی شود تا کشور در مسیر توسعه حرکت کند.^۲

۵. نداشتن جایگاه در میان مردم

یکی دیگر از مسائل سازمان‌های غیردولتی این است که این سازمان‌ها در میان مردم جایگاهی پیدا نکرده‌اند. این سازمان‌ها هنوز مورد پذیرش مردم واقع نشده‌اند. به این سازمان‌ها به عنوان کالاهایی که از خارج آمده و به دنبال تغییر فرهنگ عمومی، سنتی

۱. محمود سریع‌القلم، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹.

۲. احمد بخارایی، دموکراسی و دشمنانش در ایران، تهران: گام نو، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵.



و دینی مردم است نگاه می‌شود و به‌همین سبب در بسیاری موارد از سوی عامه مردم طرد می‌شوند.

باید توجه داشت که کارایی عمده این سازمان‌ها در میان عامه مردم و با همکاری عامه مردم یا همان طبقه متوسط است. برای همین منظور ایجاد اعتماد میان مردم و سازمان‌ها از ضروریات پیشرفت عملکرد سازمان‌ها در جامعه است. اصولاً یکی از نکات مثبت این سازمان‌ها این است که در صورتی که مورد اعتماد مردم قرار گیرند پیشرفت کارشان بیشتر از بخش‌های دولتی و خصوصی است زیرا مردم آنها را امین و دلسوز خود دانسته و حتی فراتر از این مسئله، مردم آنها را از خود می‌دانند.^(۱۰) در جامعه ایران هنوز این پدیده، شیء وارداتی و بدون فایده برای عامه دیده می‌شود و تا این وضعیت وجود داشته باشد، رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی مشکل و ناممکن است.

یکی از دلایل این امر ریشه در روحیه بیگانه‌ستیزی و عدم اعتماد به بیگانگان دارد. تا شما بیگانگان و ساخته‌های تمدنی آنها را خطراتی بدانید که برای نابودی فرهنگ آنها ایجاد شده‌اند، چنین عکس‌العمل‌هایی طبیعی است و انتظار می‌رود.^۱ از سوی دیگر اعتماد اهمیت زیادی در عملکرد این افراد دارد. متأسفانه سرمایه اجتماعی نوین در ایران که پایه اساسی‌اش اعتماد مدرن است، ضعیف است و به همین سبب است که مؤسسات نوین در ایران به‌خوبی شکل نمی‌گیرند. عدم وجود احزاب قدرتمند و جدی در ایران را نیز به همین عامل منتسب می‌کنند. این عدم اعتماد علت عدم همسان‌سازی میان مردم و

۱. محمود سریع‌القلم، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۵، ص ۳۹۱.



سازمان‌های مردم نهاد است و ضعف جدی آنها را از این جهت به‌دنبال دارد.^۱

۶. مسائل مالی و پشتیبانی

یکی دیگر از مشکلات اساسی سازمان‌های غیردولتی در ایران عدم وجود پشتیبانی‌های مالی و وجود مشکلات اساسی مالی است. سازمان‌های غیردولتی نیازهای مالی خود را از چند طریق مشخص برآورده می‌سازند: این سازمان‌ها یا به حق عضویت اعضا وابسته‌اند، یا از طریق جمع کمک‌های مردمی و صدقات فعالیت می‌کنند، یا کمک‌هایی از جانب اشخاص ثروتمند، بنیادهای سازمان‌های بزرگ و شرکت‌ها دریافت می‌نمایند، یا کارهای اقتصادی سودآور انجام می‌دهند و سودش را در راستای هدف سازمان صرف می‌کنند، یا از سازمان‌های خارجی مبالغی می‌گیرند و یا از دولت کمک دریافت می‌کنند. در جامعه ایران این کار به‌خوبی انجام نمی‌شود. از سویی طبقه متوسط جامعه که باید در این سازمان‌ها عضو شود و با پرداخت حق عضویت به سازمان، مشکلاتش را رفع نماید گسترش زیادی نیافته است. از سوی دیگر اعتماد زیادی به این سازمان‌ها در میان مردم وجود ندارد و انتظار پرداخت حق عضویت چندان برآورده نمی‌شود.

علاوه بر این اقتصاد دولتی ایران و این مسئله که به سبب وجود درآمد نفت، دولت به تقسیم‌کننده درآمد در ایران تبدیل شده، باعث گردیده که بر خلاف رسالت این سازمان‌ها، نگاه اکثر گردانندگان این مجموعه‌ها به دولت و سازمان‌ها و بخش‌های مختلف دولت باشد.^(۱۲)

۱. غلامرضا خواجه سروی، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۶۳.



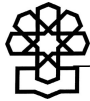
دریافت کمک خارجی هم در ایران امکان انجام ندارد؛ زیرا از سویی سازمان‌ها و کشورهای خارجی که مبادرت به دادن این کمک‌ها می‌نمایند بدون منظور این کار را انجام نمی‌دهند و تجربه نشان داده که اکثر این کمک‌ها در راستای مبارزه با نظام جمهوری اسلامی و فرهنگ اسلامی - ایرانی مردم این کشور است. از سوی دیگر مسئله استقلال برای ایرانیان بسیار مهم است و به‌همین دلیل هرگونه وابستگی به خارجیان با دیده شک و تردید نگریسته می‌شود و به‌شدت رد می‌شود.

با توجه به آنچه بیان شد، بسیاری از سازمان‌های غیردولتی یا از داشتن منابع مالی مورد نیاز برای انجام کارهای‌شان محرومند یا با وابستگی به دولت عملاً از هدف و ذاتشان دور شده‌اند که این مسئله هم در رسیدن به نتیجه مورد نظر مؤثر بوده و رسیدن به آن را ناممکن می‌سازد.

۷. سوءاستفاده سیاسی و اقتصادی

نکته دیگر در مورد این سازمان‌ها این است که متأسفانه بسیاری از این سازمان‌ها به پوششی برای انجام فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل شده‌اند. سازمان غیردولتی سازمانی است که اهداف سیاسی را دنبال نکند. این سازمان همچنین نباید به دنبال کسب سود و منفعت مادی باشد. اما در موارد بسیاری، افراد و جریان‌ات سودجو با سوءاستفاده از وجهه مثبت این سازمان‌ها، تحت پوشش و تابلوی یک سازمان غیردولتی دست به انجام فعالیت‌های سیاسی و حزبی زده‌اند. این افراد و جریان‌ات با استفاده از این تابلو به جذب افراد هدف برای کارها و فعالیت‌های سیاسی خود اقدام کرده‌اند و در نهایت هم از این افراد در راستای کارهای خود استفاده نموده‌اند.

از سوی دیگر، عده‌ای نیز با استفاده از عنوان سازمان غیردولتی اقدام به انجام



فعالیت‌های اقتصادی سودآور داشته‌اند که این اقدامات عملاً به جایگاه و نقش این سازمان‌ها ضربه زیادی زده است. به هر حال در سازمان‌های غیردولتی اصل اعتماد است که باعث می‌شود تا مردم به همکاری روی آورند و به‌صورت داوطلبانه به انجام کار بپردازند. این سوءاستفاده‌ها باعث می‌شود تا مردم نگران باشند که ناخواسته در جهت منافع گروهی خاص فعالیت می‌کنند و از روآوردن به این سازمان‌ها اجتناب کنند.

انجام کار سیاسی و اقتصادی توسط این سازمان‌ها، حاکمیت را هم حساس کرده و باعث می‌شود تا از کار این سازمان‌ها جلوگیری کند یا حداقل مساعدت‌های لازم را انجام ندهد. در اینجا نکته ظریف و مهمی وجود دارد که باید به آن توجه کرد. در حال حاضر و با توجه به گسترش بیش از حد دولت و دخالت آن در بسیاری از حوزه‌ها، از بسیاری از اقدامات می‌توان تعبیر مختلف داشت و با نگاهی خاص، بسیاری از کارها را می‌توان اقداماتی سیاسی تلقی کرد. برای مثال سازمانی که در مسائل زیست‌محیطی فعالیت می‌کند، در بسیاری موارد با کارخانجات دولتی و حتی ادارات دولتی مواجه است و اعتراض به عملکرد آنها می‌تواند مخالفت با دولت و حتی نظام تعبیر شده و امری کاملاً سیاسی قلمداد شود. این مثالی کوچک و روشن بود و می‌توان آن را تا موارد بزرگ تعمیم داد. همین مسائل است که باعث شده تا شفاف شدن حوزه عمل سیاسی برای عملکرد سازمان‌های غیردولتی بسیار مهم تلقی شود.^(۱۳) وجود فساد در سیستم باعث می‌شود که اعتماد از آن سیستم رخت بربندد. بستن زمینه‌های ایجاد سوءاستفاده سیاسی و اقتصادی باعث خواهد شد که نظام از این لحاظ بیمه شود. به همین دلیل باید به‌وسیله ایجاد قوانین مناسب و نظارت کافی این مشکل را برطرف کرد.^۱

۱. همان، ص ۱۶۰-۱۶۲.



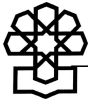
۸. نبود قانون جامع

نبود قانون جامع یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سازمان‌های غیردولتی است. این مشکل به نظر برخی صاحب‌نظران بزرگ‌ترین مشکل این سازمان‌هاست. واقعیت این است که سازمان‌های غیردولتی از نبود قانونی که هم چارچوب کارشان را فراهم کند و هم محملی باشد تا با استفاده از آن مشروعیت قانونی و رسمی یابند و بتوانند به حیات خود ادامه دهند، رنج می‌برند.

در حال حاضر مسائل این سازمان‌ها به صورت موردی و شخصی حل و فصل می‌شود. این سازمان‌ها برای دریافت مجوز باید با ادارات و مجموعه‌های مختلفی مواجه باشند و از فیلترهای متعددی بگذرند. همین مسئله سبب شده که بسیاری از این سازمان‌ها از اینکه در چه حیطه‌ای باید عمل نمایند و از چه استانداردی پیروی نمایند، ناآگاهند.

البته لازم به ذکر است که به عقیده برخی از صاحب‌نظران این سازمان‌ها به قانون احتیاجی ندارند و وابسته بودن همه مسائل در ایران به دولت سبب شده تا برای وجود هر مسئله‌ای نیاز به قانون حس شود. این افراد وجود این سازمان‌ها را مستند به قانون مدنی و وجود آزادی‌های مدنی می‌کنند و این مسئله که باید در این مورد قانون خاصی باشد را باعث ایجاد محدودیت برای این سازمان‌ها می‌دانند.^(۱۴)

اما باید توجه داشت که از سویی قانون فقط محدودکننده نیست، بلکه حامی هم می‌باشد و در صورت وجود قانون خوب است که مجموعه می‌تواند به ادامه حیات امیدوار بوده و به پشتیبانی قانون دلگرم باشد. از سوی دیگر این مجموعه‌ها با توجه به اثرگذاری زیاد به هر صورت مورد نظارت و توجه حاکمیت باید باشند و خواهند



بود. حال که وضع بدین صورت است چه بهتر که این نظارت براساس قانون و مستدل باشد و از نظارتی سلیقه‌ای و فردی خارج شود.

پیشنهادهایی برای گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران

در این قسمت راهکارهایی برای حل مشکلات موجود بر سر راه فعالیت و تقویت سازمان‌های غیردولتی در ایران که اهم آن در قسمت قبل ذکر گردیده، ارائه می‌شود. این راهکارها بیشتر معطوف به همان مشکلات ذکر شده است:

۱. فرهنگ‌سازی

برخی از مشکلاتی که برای عملکرد مؤثر سازمان‌های غیردولتی در ایران وجود دارد مربوط به نبود فرهنگ عمومی پشتیبانی‌کننده آن است و با داشتن فرهنگ عمومی مناسب می‌توان به سمت آنها حرکت کرد. به همین منظور فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه اجتماعی یکی از مؤثرترین کارهایی است که می‌توان برای گسترش این سازمان‌ها انجام داد. برای فرهنگ‌سازی نخست باید در مورد فواید و کارکردهای مفید این سازمان‌ها اطلاع‌رسانی دقیقی صورت گیرد. این اطلاع‌رسانی باعث جذب مردم به این فعالیت‌ها می‌شود. تلاش برای گسترش فرهنگ فعالیت جمعی مسئله دیگری است که همت همه متولیان فرهنگ عمومی را می‌طلبد و در صورت به نتیجه رسیدن برای بسیاری از مشکلات قسمت‌های دیگر هم مفید است.

۲. آموزش

برای ایجاد کارکرد مناسب باید هم نخبگان و هم عامه مردم در مورد این سازمان‌ها



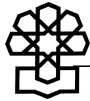
آموزش‌هایی را دریافت کنند. متأسفانه همان‌گونه که قبلاً هم توضیح داده شد، بسیاری از نخبگان جامعه هم در مورد این سازمان‌ها اطلاع درستی ندارند و به‌خوبی این سازمان‌ها و کارکرد و فوایدشان را نمی‌شناسند.

از سوی دیگر مدیران و هدایت‌کنندگان این مجموعه‌ها هم برای داشتن سازمانی مفید که گسترش خوبی دارد باید با بسیاری از مسائل و قوانین آشنا بوده و حتی برخی فنون مدیریت را برای اداره مالی صحیح این مجموعه نیازمندند.

۳. تنظیم و تصویب قانون جامع

با توجه به مسائلی که در قسمت قبل ذکر شد، ایجاد قانونی جامع در مورد سازمان‌های غیردولتی می‌تواند بسیاری از مشکلات این سازمان‌ها را حل کند.

البته قانونی که تصویب می‌شود باید حاوی مسائل ذیل باشد: نخست اینکه این قانون باید حقوق و آزادی‌های سازمان‌های غیردولتی که منبث از قانون مدنی و آزادی‌های طبیعی است را به رسمیت بشناسد و تأیید کند. در این صورت است که اساس فعالیت سازمان‌های غیردولتی مستحکم می‌شود. دوم اینکه قانون باید در محدودیت‌هایی که برای سازمان‌ها ایجاد می‌کند جانب اعتدال را نگه داشته و حداقل محدودیت‌ها را که لازم است در نظر بگیرد. به هر حال هر چارچوبی حقوق و محدودیت‌هایی به دنبال دارد؛ اما در مورد سازمان‌های غیردولتی باید جنبه آزاد آن را بیشتر رعایت نمود. سوم اینکه این قانون چون در مورد سازمان‌هایی خارج از دولت است باید با دیدی غیردولتی نگاشته شود. قوانینی که با دید دولتی نگاشته می‌شوند معمولاً می‌خواهند که امور را در دولت متمرکز کنند. این مسئله با اساس این سازمان‌ها در تضاد است و باید توجه شود که از آن اجتناب شود.^(۱۵)



۴. نظارت بیشتر برای ایجاد اعتماد

باید بر کار سازمان‌های غیردولتی نظارت کافی صورت گیرد تا این مجموعه‌ها به تابلوهایی برای انجام کارهای سیاسی و اقتصادی تبدیل نشده و از آنها سوءاستفاده نشود. بدین صورت است که اعتماد عمومی و اعتماد دولت به این مجموعه‌ها بیشتر می‌شود و این مسئله باعث گرویدن بیشتر مخاطبان به آنها شده و بسیاری از مشکلاتشان را نیز حل می‌کند.

البته در مورد نظارت توجه به این نکته ضروری است که این نظارت باید متناسب و متعادل بوده و به سلب آزادی‌های این مجموعه‌ها منتهی نشود. از سوی دیگر این نظارت نباید فقط به نظارت دولتی تعبیر شود و خود سازمان‌های غیردولتی عواملی مناسب برای انجام چنین کارهایی هستند. از سوی دیگر این کار، مخصوصاً در مواردی که توسط دولت انجام می‌شود، باید براساس قانون جامع که بحثش انجام شد، صورت گیرد و چارچوب مشخصی داشته باشد تا به‌صورت سلیقه‌ای و شخصی درنیاید.

۵. عدم دخالت دولت و کاهش حوزه دولتی

یکی از نیازهای سازمان‌های غیردولتی، عدم دخالت دولت در امور آنهاست. همان‌گونه که ذکر شد، متأسفانه در ایران بسیاری از امور به دولت منتهی می‌شود و سازمان‌های غیردولتی هم از این مسئله مستثنا نیستند. عدم دخالت دولت در مسائل این سازمان‌هاست که باعث می‌شود این سازمان‌ها بتوانند به اهداف خود برسند.^(۱۶)

برای این منظور هدف کلی کوچک‌سازی دولت و عدم دخالت آن در حوزه‌های تصدیگری و حتی کاهش و محدودسازی حوزه‌های حاکمیتی ضروری است. اما در مورد بحث این نوشتار، دولت باید از ورود به بحث سازمان‌های غیردولتی اجتناب



کند. در حال حاضر دیده می‌شود که برخی سازمان‌های دولتی از سازمان‌های غیردولتی حمایت‌هایی می‌کنند و در مقابل از آنها خواسته‌هایی دارند که انجام می‌شود و درواقع با یک سازمان شبه‌دولتی مواجه هستیم. این مسئله باید ممنوع شده و انجام نشود.

۶. شفاف‌سازی امور اجرایی، مالی و اداری سازمان‌های غیردولتی

یکی از مسائلی که سبب می‌شود تا اعتماد به سازمان‌های غیردولتی بالا رود این است که فعالیت‌های اجرایی، اداری و به‌خصوص مالی این سازمان‌ها شفاف و مشخص باشد. سازمان‌های غیردولتی چون با عامه مردم جامعه مواجه هستند، از آنها برخاسته‌اند و برای آنها با کمک خودشان فعالیت می‌کنند، به‌همین سبب باید مورد اعتماد مردم باشند. مسائل مالی و سلسله‌مراتب، بخش‌هایی از فعالیت‌های این سازمان‌هاست که در آنها امکان سوءاستفاده و سوءتفاهم وجود دارد.

به‌همین منظور پیشنهاد می‌شود این سازمان‌ها هم مثل برخی قسمت‌های غیردولتی و حتی دولتی کشورهای اسکاندیناوی دارای سایت‌های اینترنتی باشند که میزان درآمد و همچنین هزینه کرد حتی به‌صورت روزانه در آن موجود باشد و برای همه مخاطبان ارائه گردد تا شبهات احتمالی رفع شود. انجام صحیح و شفاف انتخابات نیز به این مسئله در موارد اداری کمک شایانی می‌کند.

۷. شفاف‌سازی و مختصر‌سازی امور مربوطه در دستگاه دولت

دستگاه‌های دولتی متولی و مرتبط با کار سازمان‌های غیردولتی باید در روند برخورد با این سازمان‌ها رویه روشن و واحدی داشته باشند. وجود رویه روشن و واحد سبب می‌شود تا مدیران سازمان‌های غیردولتی بدانند که چگونه باید به



حل و فصل امور خود با دستگاه‌های دولتی بپردازند و چگونه باید عمل کنند و از سوی دیگر گرفتار پیچیدگی‌های دستگاه‌های دولتی نشوند.

رویه واحد سبب می‌شود که کار سلیقه‌ای و از روی رابطه انجام نشود و به‌جای رابطه، ضابطه حاکم باشد. متأسفانه اکنون نه متولی کار این سازمان‌ها مشخص است و ناظر بر آنها. به‌همین سبب است که با توجه به گستردگی و تداخل وظایف سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی به‌طور دقیق نمی‌دانند باید با چه کسی و چگونه روبه‌رو شوند و همین مسئله است که کار را مشکل ساخته است. این رویه واحد می‌تواند قسمتی از همان قانون جامعی باشد که ذکر شد.

۸. رفع نگرانی از مسائل براندازانه

یکی از نگرانی‌های اصلی حاکمیت در قبال این تشکیلات این است که با توجه به سابقه تاریخی و همچنین منشأ خارجی چنین سازمان‌هایی، احتمال سوءاستفاده دشمنان خارجی از چنین سازمان‌هایی وجود دارد و این امکان هست که این سازمان‌ها به‌صورت آگاهانه یا ناخواسته، به ابزاری برای جاسوسی و اقدامات اطلاعاتی و حتی وسیله‌ای برای براندازی تبدیل شده و در این راه فعالیت کنند.

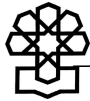
به‌همین منظور لازم است تا هم در قوانینی که تصویب می‌شود و هم در نظارتی که اعمال می‌شود، ارتباطات خارجی این سازمان‌ها و همچنین کمک‌های خارجی که دریافت می‌کنند به دقت مورد نظارت و بررسی قرار گیرد. این نظارت از سویی باعث می‌شود تا اعتماد حاکمیت به این سازمان‌ها بیشتر شده و این نگرانی مهم و به حق حاکمیت رفع شود. از سوی دیگر این امر به جلوگیری از سوءاستفاده از این سازمان‌ها منجر می‌شود. هر دو این نتایج برای گسترش عملکرد این سازمان‌ها بسیار مفید و لازم است.



به همین جهت است که پیشنهاد می شود نظارت اصلی در مورد ارتباطات خارجی این سازمان ها اعمال شود و این سازمان ها در کارهایی که در داخل کشور انجام می دهند از آزادی بیشتری برخوردار باشند زیرا تا جایی که پای یک عامل بیگانه وسط نیاید، این سازمان ها برخاسته از مردم و دلسوز مردم هستند و می خواهند مشکلات مردم را حل کنند و اقداماتشان مفید و ضروری است.

نتیجه گیری

در این نوشتار به آسیب شناسی سازمان های غیردولتی در ایران پرداخته شد. به همین منظور ابتدا سعی شد تا با ارائه تعریفی دقیق و کامل، حیطه عمل و کارایی این سازمان ها روشن گردد. سپس مشکلات موجود برای عملکرد صحیح این سازمان ها مورد اشاره قرار گرفت و اهم آنها ذکر شد. عدم وجود فرهنگ مناسب، ساختار دولتی مزاحم و نبود قانون جامع قسمتی از این مشکلات ذکر شده بودند. در ادامه هم پیشنهادهایی برای حل این مشکلات ارائه شد. در انتها و به عنوان نتیجه باید ذکر شود که بسیاری از مشکلات بیان شده را می توان در دو حوزه حاکمیتی و اجتماعی تقسیم کرد. در حوزه حاکمیتی با تنظیم و تصویب قانونی جامع که شامل راه حل بسیاری از مشکلات ذکر شده باشد و در آن به خوبی به حقوق و تکالیف سازمان های غیردولتی اشاره شده باشد، می توان بسیاری از مشکلات اساسی را حل کرد. گرچه در این حوزه کوچک شدن دولت و کاهش تصدیگری دولت، راه حل بنیادی و بلندمدت است. در حوزه اجتماعی هم باید با آموزش و فرهنگ سازی، پایه و زمینه مناسبی برای فعالیت سازمان های غیردولتی فراهم ساخت و با آگاه سازی مردم نسبت به فواید این



سازمان ها آنها را به شرکت در این فعالیت ها تشویق کرد. به هر حال سازمان های غیردولتی به عنوان رابط مردم با حاکمیت از پتانسیل بسیار بالایی برخوردارند که با استفاده از آن می توان به حل بسیاری از مشکلات مردم پرداخت به شرطی که برنامه ریزی و هدف گذاری صحیح و نظارت کاملی در این زمینه صورت گیرد.

پی نوشت ها

۱. اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد، واقعیت های اساسی سازمان ملل متحد، ترجمه قدرت الله معمارزاده، تهران: کتابسرا، ۱۳۷۴، ص ۳۸.
۲. کاویانی فر، ولی، NGO چیست؟، نشریه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۱۹، ص ۹.
۳. ابتکار، معصومه، بررسی نقش سازمان های غیردولتی در کاهش فقر روستایی، جهاد، شماره های ۱۹۶-۱۹۷، ۱۳۷۶، ص ۸-۱۲.
۴. جباری، حبیب، سازمان های غیردولتی، مفاهیم و حیطه های عمل، شهرداری ها، سال دوم، شماره ۱۶، ص ۷۸.
۵. الوانی، سیدمهدی، سازمان های غیردولتی و توسعه، مدیریت و توسعه، شماره ۱۳، ۱۳۸۱، ص ۱۲.
۶. معطری، سیامک و دیگران، رابطه دولت و NGO ها در ایران، فصلنامه صلح سبز، شماره ۶، ۱۳۷۹، ص ۳۲.
۷. بختیارنژاد، پروین، موانع ساختاری NGO ها در ایران، فرهنگ، سال اول، شماره های ۵، ۶ و ۷، ص ۴۹.
۸. مفهوم و ضرورت استقلال تشکل های غیردولتی، چالش ها و چشم اندازها، پیام مدیران فنی و اجرایی، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰، ص ۵۳.
۹. سازمان های دولتی، نیمه دولتی و غیردولتی، نشریه موج سبز، سال دوم، شماره ۵، ص ۴.
۱۰. سعیدی، محمدرضا و دیگران، موانع توسعه سازمان های غیردولتی و تشکل های مردمی،



- دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور، سال ۹، شماره ۳۹، تیر ۱۳۸۱، ص ۸۱.
۱۱. میربد، سیدمهرداد و ایرج محمدی، سازمان‌های غیردولتی در ایران، جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، ص ۹۹.
۱۲. مهرآیین، سعید، فرصت‌ها و لغزش‌ها در رشد شتابان NGOها، نشریه چیستا، ص ۳۵۶.
۱۳. مفهوم و ضرورت استقلال تشکلهای غیردولتی، چالش‌ها و چشم‌اندازها، پیشین، ص ۶۲.
۱۴. شیخانی، ام‌الله، نگرشی بر سازمان‌های غیردولتی، پیام مدیران فنی و اجرایی، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۸.
۱۵. مسعودنیا، حسین، جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در ایران، چالش‌ها و راهکارها، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال ۱۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۳۴.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۵۸۹

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی سازمان‌های غیردولتی در ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: علیرضا کوهکن

ناظر علمی: ابوذری گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. سازمان‌های غیردولتی (NGOs)

۲. دولت (Government)

۳. فرهنگ عمومی (Public Culture)

۴. ساختار دولتی (Governmental Structure)

۵. قانون جامع (Comprehensive Law)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱/۱۷